

از آثار قدمت و اهمیت نایین، زبان محلی آن است که از ریشه های اصیل و پیوسته زبان اوستا یا پهلوی می باشد. البته می دانیم که زبان محلی جزئی، نطنزی، اردستانی، بافقی کاشانی، سمنانی، خوری، بیابانکی، جندقی، کردی، لری و... در اطراف این آب و خاک تلفظ می کنند و حرف می زنند. و به تصدیق زبان شناسان و اساتید فن، زبان محلی نایین جز آن دسته زبان ها است که اصالت ادبی و پیوند ثابت و ناگسستنی با زبان مادر «پهلوی ساسانی» دارد، بنابراین بیش از اهمیتی که مسجد جامع و منبر تاریخی آن دارد و یا نارین قلعه قبل از خرابی و ویرانی در قدمت نایین اثر و سابقه ایجاد می نمود، زبان محلی نایین تاثیر حیاتی و باستانی دارد. کلیه قواعد عربی موضوعه در ادبیات دستوری در این ریشه بارز و ظاهر و چشم گیر است.

لازم به ذکر است که از آنجاییکه شهر نایین دارای چند بخش است، لغات و دستور زبان در این چند بخش اندکی با یکدیگر تفاوت دارد. به طور مثال کلمه من در زبان فارسی ، در بخش نایین «می»، در بخش محمدیه «مو» و در بخش بافران «مه» گفته می شود.

فرض کنید مصدر «وات» - یعنی گفتن - ماضی مطلق آن می شود:

مو وات تو وات شو وات

می وات تی وات شی وات

به معنی:

گفتم گفتی گفت

گفتیم گفتید گفتند

ماضی نقلی آن میشود:

مو واآه تو واآه شو واآه

می واآه تی واآه شی واآه

به معنی:

گفتم ام گفته ای گفته است

گفته ایم گفته اید گفته اند

وجه التزامی:

مو واوات تو واوات شو واوات

می واوات تی واوات شی واوات

به معنی:

باید بگویم باید بگویی باید بگوید

و...

در مضارع ، یعنی برای ساختن فعل مضارع « ت » به « ج » تبدیل شده ، و چنین می شود:

واجی (اول شخص مفرد) واجی (دوم شخص مفرد)

واجّه ، واجم ، واجن. (میگویم ، میگوی ، میگوید)...

در فعل امر زبان فارسی معمولی ، حرف « ب » مبنای امر است مانند:

برو ، بگو ، بخور ، بشور، بیا و... ، و در زبان محلی نایین « الف » و « واو»

بنای اصلی امر محسوب می‌شوند ، مانند:

او واج (بگو) ، او خور (بخور) ، اِمَر . اِمَر (بشکن) ، ایشو (برو) ، وِگیر (بردار) ، وَاَل (بگذار) وِکُش (خاموش کن) ، وِئِش (بایست) ، وِئِس (برخیز) ، و...

فعل امر در زبان محلی نایین ، در صیغه دارد:

دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع.

«ایشو» و «ایشید» (برو و برید)

از جمله دلایل اصالت این زبان، نظم طبیعی آن ، مخصوصا در ضمایر است؛ مثلا ضمایر مفرد در ماضی «مو» ، «تو» ، «شو» و ضمایر جمع «می» ، «تی» و «شی» هستند:

مو خا، تو خا، شو خا، می خا، تی خا، شی خا. در این دسته مصدر «خارت» به معنی خوردن است.

سازمان عبارات

الفاظ و عبارات زبان محلی نایین ، از یکی از چند صورت بیرون نیست:

اول: واژه و گویشی که صورت واژه دارد ؛ یعنی از حالی به حالتی تغییر نیافته و ریشه آن را باید از فرهنگ اوستا بیرون کشید ، مانند کلمه یا اسم «مَلو» به معنی گربه ، و «کوپَه» به معنی سگ و «هیلی» به معنی زرد آلو ، « دیم » ، «لنج» ، «شه بی» ، « او واج» ، «کَرک» ، «چوری» و...

دوم: واژه هایی که مشتق از لفظ فارسی معمولی می‌باشند و چند صورت دارند:

الف) یک دسته کلماتی که صورت حروف در آنها ثابت مانده ، به حرکات ، تغییر یافته ؛ مانند : « دِهِن – دِن » که محلی دهان است ، یا «گَندم» که محلی گندم است و یا «قَند» که قند بوده ، و اغلب ، اساس چنین است. ب) کلماتی که با افزایش یا کاهش فارسی معمولی ، محلی می‌شوند؛ مانند: کوتاه (کتاب) ، دِنْدُن (دندان) ، آتَش (آتش) ، زیمین (زمین) و نوو (نان)

ج) آنها که به تحقیر حروف ، محلی می‌شوند ، و این بیشتر بین « ب » و « و » می‌باشد ؛ مانند:

جوراو (جوراب) ، اُو (آب) ، نیمِی (نمد) ، وا (باد) ، بر (در) ، کولا (کلاه) ، کویاب (کباب) ، قیلِم (قلم) و...

بسیاری از واژه های گویش نایینی را می‌توان در زبان زرتشتیان و در میان کلماتی که مردم ناحیه یزد به کار می‌برند نیز جست و جو کرد.



يك دسته كلماتي كه صورت حروف در آنها ثابت مانده و حرکات، تغيير يافته است مانند (دهن) به معني دهان، (گندم) به معني گندم، (قند) به معني قند و (اِگر) به معني اگر كه بیشتر كلمات در زبان بافران به اين صورت است.
* كلماتي كه با افزايش و يا کاهش حروف به صورت محلي در آمده اند :

کوتاب = کتاب دندون = دندان آتش = آتش

زيمين = زمين نو = نان قيلم = قلم [۱]

*تبدیل حروف که این نوع را در واقع می توان گسترده ترین شکل در ساخت لغات و کلمات به حساب آورد:

تبدیل حرف ز به ج . این نمونه در بسیاری از موارد بر اساس راحتی تلفظ و تبدیل فتحه به کسره و کسره به فتحه است:
روح = روزه ، موج = موزه به معني نوعي پاپوش، از این کلمه در متون ادبي از جمله در کتاب تاریخ بیهقي نمونه هاي زيادي يافت مي شود.

دلچ = دهليز خانه. در این کلمه علاوه بر تبدیل حرف ز به ج، حذف « ه » را هم می توان مشاهده کرد.
سوجن = سوزن ، تبدیل حرف ز به ج و فتحه به ضمه.

چن = زن ، این کلمه با جن و پري فرق دارد. به جن و پري در زبان بافراني «يادما» مي گویند. این کلمه در ترکیب زن و زنبیل هم وجود دارد که به صورت «چن و چنبیل» به کار می رود. در این ترکیب « زنبیل» هم به صورت «چنبیل» در آمده است.

پروچ = پرویز. این کلمه بسیار نادر است و تلفظ آن به صورت «پروچ» تنها در ترکیب «کوه پرویز» که از کوههاي سر به فلک کشیده حوالي بافران است به کار می رود.

جیربا = زیره با، نوعي آش. جیر = زیره مرغ جاری = مرغزار

در ساخت افعال هم می توان چنین تبدیلی را مشاهده کرد:

أساج = می سازد ، اریج = می ریزد ، ائج = می ارزد

تبدیل حرف «ج» به حرف «ز» هم وجود دارد که بسیار نادر است و تنها در کلمه زیر قابل مشاهده است :
زنجیر = جیرجیرک . در این کلمه تنها تبدیل حرف «ج» به «ز» آشکار است و بقیه ارکان کلمه به کل با اصل آن (جیرجیرک) متفاوت است.

تبدیل حرف «ب» به «واو» :

أفتاب = آفتاب جوراب = جوراوا آب = اَو

مهتاب = مَختاو، در این کلمه، علاوه بر تبدیل حرف «ب» به «واو» ، حرف « ه » نیز به «خ» تبدیل شده است.

پیشاب = پیشاو خواب = خاو تاب = تاو بیچاره = بیچار

نب = نَو شب = شو ابر = اور برف = ورف

تبدیل مصوت بلند « او » به مصوت بلند « اي »:

خون = خین پول = پیل دور = دیر کوره = کیر

سوسك = سوسك

تبدیل مصوت بلند « او » به صامت « اُ »:

گوش = گُش موش = مُش جوش = جُش

تبدیل حرف « دال » به حرف « ت »: این مورد بیشتر درباره صفت مفعولي از فعل به کار می رود .

مرده = مَرْت افتاده = وَرْت کرده = گَرْت برده = بَرْت

خورده = خارت آورده = یارت گرد = گَرْت (در ترکیب گرد و غبار)

تبدیل حرف « ت » به حرف « دال »: در این مورد تنها می توان به کلمه پهلوي «خوتا» اشاره کرد که به صورت «خودا» به کار می رود [۲].

تبدیل کسره به مصوت بلند (اي) :

زرنگ = زیرنگ فشنگ = فیَشنگ شلنگ = شیلنگ

تبدیل فتحه و کسره به مصوت بلند « او » که در نوع خود کم نظیر است . راحتی تلفظ کلمه عامل اصلي این تبدیل و دگرگوني است:

کتاب = کوتاب کباب = کوباب لباس = لوباس کلاس = کولاس

گشاد = گوشاد حساب = حوساب شتاب = شوتاب شکار = شوکار

طناب = طوناف ، در این کلمه تبدیل حرف «ب» به «ف» را هم می توان مشاهده کرد.

جابجایی حروف که بیشتر شکل قلب کلمه دارد:

دول = دلو سلط = سطل قلف = قفل

خارسو، خُرسو = خسرو

جُخماو و جُمخاو = این کلمه به معني رخت خواب است که هر دو صورت آن به کار می رود ولي وجه غالب آن جُخماو است که از ترکیب جُم و خاو «خواب» ساخته شده و بر روی هم به معني جای خواب و رخت خواب است.

در ساخت بعضی از لغات نایینی که مشتق از اصل فارسی است تنها می توان تبدیل فتحه به کسره و بر عکس آن کسره به فتحه را مشاهده کرد:

تبدیل فتحه به کسره:

درویش = درویش مرد = مرد چن = زن
 خر = خر سر = سر بر = در

تبدیل کسره به فتحه:

يک = يك ، این کلمه در متون کهن به صورت (يک) دیده می شود و نشان می دهد که صورت اصلی تلفظ کلمه به همین صورت بوده است که در زبان نایینی تلفظ می شود. به عنوان مثال مولانا جلال الدین بلخی در آثار خود و به خصوص مثنوی معنوی از این کلمه به این صورت استفاده نموده و این به خاطر تنگنای قافیه نیست بلکه صورت اصلی تلفظ این کلمه به همین صورت (يك) بوده است.

چون نظر در قرص داری خود یکی است و آنکه شد محبوب ابدان در شکی است [۳]

زانکه بی جفت است و بی آلت یکی است در عدد شك است و آن يك بی شکی است [۴]

* کاربرد يك کلمه با چند معنی که معمولاً در جمله و گاه با توجه به لحن گوینده، معنای آن مشخص می شود:

بیار = به معنای برادر و بیدار ، این کلمه در هر دو معنی ذکر شده به کار می رود و تنها با توجه به کاربرد آن در جمله ، معنای آن مشخص می شود. به عنوان مثال در جمله « خاؤ یا بیار » یعنی خواب است یا بیدار ولی در جمله « يك بیار داری یعنی يك برادر دارم ». این کلمه علی رغم شکل ظاهری آن که نشان از « فعل امر آوردن » می دهد به هیچ وجه در مورد وجه امر به کار نمی رود و شکل امری آن در زبان بافرانی « یار » به معنی بیاور است.

* از دیگر موارد قابل اشاره درباره کلمات و تلفظ آنها در زبان نایینی این است که بعضی از حروف به سختی تلفظ می شوند و یا اصلاً تلفظ نمی شوند؛ به عنوان مثال می توان از حروف (ه و ح) نام برد. در زبان نایین در اغلب موارد به جای این حروف از «مصوت بلند آ و مصوت های کوتاه» استفاده می شود. مانند «آشی» به جای « هاشی » ، « آسین » به جای « حسین » ، « اندون » به جای هندوانه و ...

* اسم تصغیر : در دستور زبان فارسی اسمی که مفهوم خردی و کوچکی را برساند اسم مصغّر می گویند. در زبان فارسی از اضافه کردن پسوند های (چه، که، او) مانند باغچه، مردیکه و یارو، اسم مصغّر به دست می آید [۵]. در زبان نایینی تنها با اضافه کردن پسوند (چو) به آخر اسم، اسم مصغّر ساخته می شود.

پور	(پسر)	+	چو	=	پورچو	=	پسر کوچک
دُت	(دختر)	+	چو	=	دُتچو	=	دختر کوچک
مَلو	(گربه)	+	چو	=	مَلچو	=	گربه کوچک
مَرزا	(مزرعه)	+	چو	=	مَرزاجو	=	مزرعه کوچک
بیرمب	(گریه)	+	چو	=	بیرمبچو	=	گریه خشک و ضعیف
ویر	(بره)	+	چو	=	ویرچو	=	بره کوچک
کوی	(سگ)	+	چو	=	کویچو	=	سگ کوچک
کیو	(ظرف سفالی)	+	چو	=	کیوچو	=	ظرف سفالی کوچک

درباره نایین

در مورد معنای کلمه نایین نظرات مختلف در کتب تاریخ نقل شده اما آنچه قریب به یقین صحیح می باشد این است که نایین از نی و نی زار گرفته شده است و زمانی نایین دریا و سپس باتلاق و نیزار بوده است.

موقعیت جغرافیایی نایین

شهرستان نایین با مساحتی حدود ۳۷۰۰ متر مربع (یک سوم استان) وسیع ترین باشد که در حاشیه ی کویر مرکزی و در کنار محورهای ترانزیتی جنوب و شمال و شرق کشور واقع گردیده است. بر طبق آمار جمعیتی سال ۱۳۸۶ نایین دارای ۵۵۵۰۰ نفر جمعیت است. این شهرستان که در فاصله ۱۴۵

کیلومتری شرق اصفهان قرار دارد از شرق به استان خراسان و از جنوب به استان یزد و از غرب به اردستان و اصفهان و از شمال به استان سمنان محدود می شود. این شهرستان دارای سه بخش مرکزی، خور و بیابانک و انارک بوده و چهار شهر به نامهای ناین، خور و جندق و انارک دارد. همچنین دارای هشت دهستان با تعداد ۲۶۸ روستا و مزرعه سکنه دار می باشد. آب و هوای آن کویری است. زبان مردم آن اکثرا ایران باستان (پهلوی) است و البته در مناطق این شهرستان نیز گویش های محلی متنوع و خاص خود وجود دارد. مختصات جغرافیائی نائین - طول: ۵۳ درجه و ۴ دقیقه و ۱۵ ثانیه خاوری از نصف النهار گرینویچ، عرض: ۳۲ درجه و ۵۱ دقیقه و ۵۰ ثانیه شمالی. ارتفاع از سطح دریا ۱۴۰۰ گز. اختلاف ساعت با تهران ۵ دقیقه و ۲۰ ثانیه راهها - نائین بوسیله دو راه به تهران مربوط میشود:

۱ - راه تهران به نائین که از شهر ری، قم، اصفهان و کوهپایه میگذرد، جاده شوسه درجه یک است و طولش ۵۷۶ هزار گز است.

۲ - راهی که از کاشان میگذرد و جاده شوسه درجه ۲ است (از نائین تا قم شوسه درجه ۲ و از قم تا تهران آسفالت). طولش ۵۲۲ هزار گز است. این جاده فقط در گردنه ملا احمد (۳۶ هزار گزی نائین) بعلت برف زیاد، ممکن است گاهی مسدود شود. این راه از شهر ری، قم، کاشان، نظنز و اردستان میگذرد.

مدت راه نائین به تهران، با اتومبیل ۱۴ ساعت و با سواری ۱۰ ساعت است. پمپ بنزین در مسیر جاده یزد به اصفهان قرار دارد. در بخشهای انارک و خور و بیابانک جاذبه های خاص مناطق کویری وجود دارد. مثل تپه های بزرگی ریگ که هر یک به نامی شهرت دارد. همچنین صحنه های زیبا و جادویی از سرابهای کویری و بیشه ها و جنگلهای خاص این گونه مناطق مانند جنگل گز و طاق. علاوه بر آن نخلستانهای زیبائی در مناطق شهری و روستایی بخش انارک و شهرستان خور و بیابانک وجود دارد که در نوع خود دیدنی است. جاذبه های تاریخی، مذهبی و معماری ناین عبارتند از: مساجد، امامزاده و حسینیه ها، آب انبارها، قلعه ها، کاروانسراها، یخچال ها، خانه های تاریخی که در مجموع چند اثر برجسته آن شامل مسجد جامع، نارین قلعه، بازار قدیمی و خانه تاریخی پیرنیا که موزه مردم شناسی کویر در آن دایر شده است. از دیگر جاذبه های شگفت این ناحیه وجود چشمه ای با آب شیرین و گوآرا در منطقه ی کویری است که بازایاب نام داشته و در مسیر مهرجان به چوپانان قرار گرفته است. وجود نقاط روستایی شامل چوپانان با آرایش و نظم معابر شهری و بادگیرهای جذاب آن، روستای مصر در

محاصره ریگهای روان ، روستای گرمه با خصوصیات آب و هوای کویری ویژه ، روستای آبگرم با بهره مندی از چشمه آب گرم معدنی و معدن نخلک با تونلهای قدیمی و طولانی زیر زمینی و قلعه روستای بیاضه از جمله آثار دیدنی روستاهای نایین است. وضع طبیعی و اقتصادی - شهر نائین در کنار راه شوسه اصفهان به یزد، و در جلگه واقع شده است . هوای شهر نسبتاً معتدل است . آب آشامیدنی اهالی از آب انبارها و قنات شاهی ، و آب مزروعی از قنات تامین میشود.

شغل عمده اهالی کسب و زراعت و محصول عمده آن گندم و جو و مختصری محصولات صیفی است ، اشجار آن پسته و بادام و انار و گوجه و توت و سایر میوه هاست . صادرات زراعتی این شهرستان روناس و کتیرا و پنبه و پسته ، و صادرات صنعتی آن قالی و عبا و کرباس است . معادن استخراج شده حوزه معدنی انارک (از توابع نائین) شامل سرب ، مس ، زغال سنگ، آنتیمون و آهن است .

مردم این شهرستان بکسب دانش راغبند و بیشتر بدین منظور جلای وطن میکنند. سادگی اخلاق و سعی در کسب دانش از آداب نائینی هاست . در این شهر یک دبیرستان پسرانه دو دبستان پسرانه و دو دبستان دخترانه دایر است . یک بیمارستان ۲۰ تختخوابی در انتهای باختری شهر قرارداد و در جنب بیمارستان نیز درمانگاهی بوسیله سازمان خدمات اجتماعی تاسیس گشته است . شهر نائین مرکز فرمانداری شهرستان نائین است و ادارات دولتی آن عبارتند از: فرمانداری ، شهرداری ، نیروی انتظامی ، پست و تلگراف ، آمار، ثبت اسناد و املاک ، بهداری ، دارائی ، اداره فرهنگ، دادگاه بخش ، بانک ملی نمایندگی یزد،نمایندگی بانک کشاورزی ، نمایندگی اوقاف . آب و هوا - هوای این بخش نسبتاً معتدل است . آب زراعتی آبادیها از قناتها تامین میشود.

محصول و شغل :

محصول عمده نائین غلات است و شغل اهالی زراعت و صنایع دستی و کرباس بافی است . بیشتر قراء این بخش بوسیله راههای ارابه رو به یکدیگر مربوط است و در فصل خشکی به بیشتر قراء میتوان اتومبیل برد.

زبان و مذهب :

مردم نائین مسلمان شیعه اند و زبان مادری آنان فارسی است .

قراء مهم بخش حومه نائین عبارتند از: بافران ، چم ، محمدی ، سرشگ، حسین آباد، خیرآباد، بنوند. در بخش حومه (بغیر از شهر نائین) سه باب دبستان دایر است

بافت شهری:

بافت نائین: یکی از زیباترین جاذبه‌های شهرستان نائین بافت شهری یا روستایی مناطق مسکونی آن است. این بافت ترکیب چشم نوازی از خط و منحنی‌ها است. دیوارها پشت بام‌های گنبدی پیچ در پیچ. چنانچه در کوچه پس کوچه‌های نائین در خاطراتی گنگ و دور مانده غوطه ور می‌شویم و احساسی مبهم و ناشناخته گام‌هایمان را کند می‌کند تا صدای کسی را درون خیال و خاطره‌های خود بشنویم و از کوچه‌های نائین دل نمی‌کنیم. بافت محله محمدیه چشم انداز خاطره‌های دیروز: محله محمدیه از جذاب‌ترین مناطق بخش مرکزی نائین است. این محله به موقعیت و نمای زیبا مورد توجه گردشگران است. در مرکز این محله تپه‌ای قرار گرفته که بر بالای آن قلعه زیبای آشورگاه ساخته شده است. در پایان تپه کارگاه عبا بافی در دل زمین کنده شده‌اند و مرد سالخورده در این کارگاه به بافت عبا مشغولند. مردم محل این کارگاه را «سرداب» می‌نامند. محله محمدیه دارای سبدهای متعدد و گذرها و گنبدهای زیبا و بناهای تاریخی بسیار است. جاذبه‌های فرهنگی - هنری - عبا بافی - از صنایع رایج و معتبر نائین عبا بافی است. عبا بافان، محصول خود را از کرک و پشم شتر در رنگ‌های زرد، مشکی، سرخ و خرمایی می‌بافند. مهم‌ترین مرکز عبا بافان نائین در محمدیه قرار دارد. کارگاه‌های این عبا بافان و نیز نحوه کار آن‌ها یکی از جاذبه‌های تماشایی این منطقه محسوب می‌شود.

نایین

شهرستان در شمال یزد در استان دهم از سه بخش حومه انارک خور و بیابانک تشکیل شده است و شامل یک قسمت مرتفع کوهستانی و یک قسمت وسیع خشک و گرم است. مرکزش شهر نایین بر سر راه اصفهان به یزد و کاشان به یزد قرار دارد. محصول عمده آن گندم جو صیفی اشجار پسته بادام و انار است. صادرات این شهرستان روناس کتیرا پنبه پسته زغال سنگ انتیمون و آهک دارد. نائین.

راهب نایینی

راهب اصفهانی. که پڑمان بختیاری او را بدین نام ذکر کرده است.

طرب نایینی

اصفهانی. نامش میرزا محمد جعفر فرزند میرزا محمد حسین نائینی برادر میرزا محمد منشی باشی رحمه الله است.

نایینی

حاجی میرزا حسین (ف. ۱۳۵۵ ه.ق.) از علمای دینی ایرانی مقیم نجف و استاد مسلم فقه و اصول و مرجع تقلید عصر بود. در قیام مشروطیت کتابی بنام [تنبیه الامه و تنزیه المله فی لزوم مشروطیه الدوله المنتخبه لتقلیل الظلم علی افراد الامه] تالیف کرد که در ۱۳۲۷ ه.ق. چاپ شد و حاج شیخ عبدالله مازندرانی و آخوند خراسانی تقریظاتی بر آن نوشتند. (صفت) منسوب به نایین: ۱ - از مردم نایین اهل نایین. ۲ - لهجه مردم نایین. محمد ابن حیدر طباطبائی ملقب به رفیع الدین و مشهور به رفیعا یا آقا رفیعا یا میرزا رفیعا از علمای امامیه قرن یازدهم و از شاگردان شیخ بهائی است و کسانی چون مجلسی ثانی و شیخ حر عاملی از مجلس درس او استفاده جسته اند.

نصیرای نایینی

از شعرای قرن یازدهم است مدتی در شیراز سپس در تبریز بوده سرانجام به اصفهان رفته است.